



دانشگاه فردوسی مشهد

دانشکده الهیات

پایان نامه برای دریافت

مدرک کارشناسی ارشد

موضوع

توحید الوهی (خالقیت)

در کلام

امیرالمؤمنین، علی (علیه السلام)

استاد راهنما

سیدجلال آشتیانی

استاد مشاور

عزیزالله فیاض صابری

نگارش

حکیمه وحدانی پور

دیماه ۱۳۷۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حمد و سپاس بیکران خداوند منان:

راکه باری دیگر توفیق خود را شامل حال نمود تا بتوانم رساله خویش را با موفقیت به پایان ببرم. همچنین با تقدیر فراوان از فیلسوف متأله جناب استاد آشتیانی که به عنوان استاد راهنما، مرا از ارشادات خود بهره‌مند ساختند.

و با تشکر فراوان از:

استاد گرانقدر، جناب آقای صابری که با عنوان استاد مشاور، اینجانب را در تمامی مدت، راهنمایی دلسوز بودند.

و با تشکر از:

تمامی کسانی که مستقیم و غیرمستقیم در تهیه این رساله، مرا یار و پشتیبان بوده‌اند.

تقدیم به او که :

درس محبت و ایثار و عشق به خدا و در یک کلمه درس چگونه زیستن را به
من آموخت.

تقدیم به او که :

برایم تنها یک معلم دلسوز نبود بلکه راهنمای زندگی و یار و همراه همیشگی من
در مسیر زندگی بود.

تقدیم به :

خانم نیره پورجواد

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱	- مقدمه.....
فصل اوّل : توحید و اقسام آن	
۶	- تفاوت اندیشه‌های متفکران درباره خداشناسی.....
۹	- تعریف توحید.....
۹	- اقسام توحید.....
فصل دوم : اثبات توحید خالق با استمداد از مبادی فلسفه اولی	
۱۷	- اثبات توحید خالق با استمداد از مبادی فلسفه اولی.....
فصل سوم : اثبات توحید خالق با استمداد از مبادی علم طبیعی	
۲۲	- اثبات توحید خالق با استمداد از مبادی علم طبیعی.....
۲۲	- اثبات وحدت عالم از طریق مبادی علم طبیعی.....
۲۴	- دلیل خاص بطلان فرض اول.....
۲۹	- دلیل خاص بطلان فرض دوم.....
۳۳	- بیان دو نکته.....
۳۴	- اثبات وحدت حقیقی عالم.....
۴۰	- اثبات وحدت حقیقی عالم از راه حرکت.....
۴۵	- اثبات توحید خالق.....
فصل چهارم : اثبات توحید خالق از راه برهان تمانع	
۴۹	- اثبات توحید خالق از راه برهان تمانع.....

عنوان

صفحه

- تقریری دیگر بر آیه لوکان فیهما الهة..... ۵۸

- یادداشتهای فصل اول تا چهارم..... ۶۰

فصل پنجم: طرح چند شبهه بر مبحث توحید خالقیت

- طرح چند شبهه بر مبحث توحید خالقیت..... ۶۳

- شبهه‌ای دیگر بر توحید خالقیت..... ۸۴

- تحلیل فلسفی خیر و شر..... ۸۶

- مسئله شرور و نظام احسن جهان..... ۹۱

- اتحاد نظر افلاطون و ارسطو درباره عدمی بودن شر..... ۹۹

- نقدی بر سخن حکیم سبزواری..... ۱۰۴

- نقدی بر سخن حکیم متاله، شیخ اشراق..... ۰۶

- یادداشتهای فصل پنجم..... ۱۰۹

فصل ششم: توحید خالقیت از نظر قرآن

- توحید خالقیت از نظر قرآن..... ۱۱۱

- یادداشتهای فصل ششم..... ۱۲۰

فصل هفتم: توحید در نهج البلاغه

- توحید در نهج البلاغه..... ۱۲۲

- بحث تاریخی درباره توحید صانع..... ۱۴۶

- یادداشتهای فصل هفتم..... ۱۴۹

فصل هشتم: توحید خالقیت در کلام علی(ع)

۱۵۱ - توحید خالقیت در کلام علی (ع).

۱۶۳ - یادداشتهای فصل هشتم.

فصل نهم: جبر و اختیار در کلام علی (ع)

۱۶۶ - جبر و اختیار در کلام علی (ع).

۱۷۱ - قضا و قدر در کلام علی (ع).

۱۸۳ - یادداشتهای فصل نهم.

فصل دهم: توحید ربوبیت

۱۸۶ - توحید ربوبیت.

۱۸۷ - آیات قرآن و ربوبیت تکوینی.

۱۸۸ - رابطه ربوبیت و مالکیت.

۱۹۱ - یادداشتهای فصل دهم.

فصل یازدهم: توحید عبودی

۱۹۳ - توحید عبودی.

۱۹۵ - توحید عبادت و تعریف کامل و جامع آن.

۱۹۷ - نخستین تعریف عبادت.

۱۹۹ - دومین تعریف عبادت.

۲۰۱ - تعریف سوم برای عبادت.

۲۱۱ - یادداشتهای فصل یازدهم.

۲۱۳ - فهرست منابع و مأخذ.

مقدمه

نحمدک اللهم یا من منت علینا بالاسلام و جعلتنا من امة سیدرسلک خیر الانام و اکرمتنا بالتمسک بولاية وصیه امیرالمؤمنین و اولاده الکرام و نصلی و نسلم علیهم مادام النور یکشف الظلام.

دین اسلام، دین معرفت و خداشناسی و توحید است، کلمه اسلام کلمه توحید است و دعوت اسلام از این کلمه آغاز می‌شود، و همه برنامه‌های اسلام و قرآن براین اساس است که خدا را به یگانگی بشناسند و فقط او را معبود مستحق پرستش بدانند و غیر او را پرستش نکنند و به حکومت غیرخدا گردن نهند.

معرفت و خداشناسی در اسلام، براساس تحقیق و تفکر و تأمل قرار دارد و قرآن همه را به تفکر و تعقل دعوت فرموده است: و فی الارض ایات للموقنین و فی انفسکم افلاتبصرون.

و این منطق عظیم بود که موحدانى چون حمزه و جعفر و ابوذر و سلمان را پروراند، تا اینکه مراتب علم‌الیقین و عین‌الیقین و حق‌الیقین را حائز شدند.

علی(ع)، معلم نمونه و برجسته مکتب خداشناسی اسلام، شاگرد اول پیامبر و نخستین خداشناس مکتب اسلام بود، او بود که فرمود: لوکشف الغطاء ما ازددت یقیناً^(۱).

سخنان توحیدی و عرفانی علی، جلوه مقام عرفان و تجلی روح‌الهیات مکتب قرآن است.

اصولاً آن مکتب تربیت و تعلیم که شخص اول عالم امکان، محمد(ص) را به دنیا

تحویل داد با مکتبی که علی(ع) را پروراند، یکی بود، در آن مکتبی که معلم شدیدالقوای

الهی، حضرت خاتم‌الانبیاء(ص) را تعلیم می‌داد، علی(ع) نیز حضور داشت و آن تعلیمات

۱- شرح نهج‌البلاغه - ابن‌ابی‌الحدید - جر ۲ - ص ۵۵۰ - شرح خطبه هماهیه.

را می شنید و وحی بر او منکشف می شد، با این تفاوت که پیغمبر (ص) مخاطب و مأثور به تبلیغ و رسالت بود، و علی مستمع. و پیامبر (ص)، علی را از آنچه بدون واسطه جبرئیل تلقی می کرد، آگاه می فرمود، تا علی نسخه ای مطابق اصل شد، در خطبه قاصعه می فرماید:

وقد علمتم موضعی من رسول الله (صلی الله علیه واله) بالقرابة القریبة، والمنزلة الخصیصة، وضعنی فی حجره وانا ولد یضمنی الی صدره و یکنفنی فی فراشه و یمسنی جسده و یشمنی عرفه و کان یمضغ الشیی ثم یلقمینی و ... و لقد سمعت رنة الشیطان حین نزل الوحی علیه (ص)، فقلت: یا رسول الله ما هذه الرنة؟ فقال هذا الشیطان قد ایس من عباده، انک تسمع ما اسمع و تری ما اری، الا انک لست بنبی و لکنک وزیر، و انک لعلی خیر.

پس عجیب نیست اگر علی (ع) در الهیات دارای مرتبه ای باشد که مافوق آن برای بشر متصور نیست تا آنجا که می توان گفت: فراسوی مرتبه ای که علی داشت و خدایش را می ستود و می خواند و می شناخت، در خداشناسی مرتبه ای نیست.

کلام دانشمند بزرگ اهل تسنن

ابن ابی الحدید معتزلی که شرحش بر نهج البلاغه، دلیل بر این است که از نوادر دانشمندان و علماء است، با اینکه در مذهب خود (تسنن) سخت پافشاری دارد. اما در شرح خطبه ۸۳ می گوید:

واعلم ان التوحید و العدل و المباحث الشریفة الالهیة، ما عرفت الا من کلام هذا الرجل، و ان کلام غیره من اکابر الصحابة لم یتضمن شیئاً من ذلك اصلاً ولا كانوا یتصورونه، ولو تصوره لذكروه، و هذه الفضیلة عندی اعظم فضائله علیه السلام.

و همچنین در ضمن شرح خطبه اشباح (خطبه ۹۱) که از جلائل خطب است

می‌گوید: وقتی اینگونه کلام ربانی، و لفظ قدسی علی، به میدان بیاید. فصاحت عرب باطل می‌شود و نسبت هر فصیحی به او و کلام او نسبت خاک به طلای خالص می‌گردد، تا اینکه می‌گوید:

و اقسام هذا الكلام اذا حامله اللبيب اقشعرّ جلده و رجف قلبه و استشعر عظمة الله العظيم في روعه و... و هام نحوه و غلب الوجد عليه، و كاد ان يخرج من مسكه شوقاً و ان يفارق هيكله صباية و رجداً.

(سوگند یاد می‌کنم که هرگاه عاقل در این سخن تأمل کند، موی بر بدنش راست خواهد ایستاد و قلبش تکان می‌خورد و به عظمت خدا در ضمیر خود شعور پیدا می‌کند چنان شور و وجد بر او چیره می‌گردد که نزدیک می‌شود از شدت شوق از پوست خود بیرون رود.

فصول و مباحث الهیات در نهج البلاغه: خطبه‌های توحیدی و بیانات عرفانی نهج البلاغه هر یک در بردارنده مباحث متعدد و حاوی بسیاری از فصولی است که در الهیات مطرح است و خطبه‌ای که فقط به یک موضوع از مباحث الهی اشاره کند در آن نیست بطور مثال اولین خطبه‌ای که شریف رضی قدس سره در نهج البلاغه آورده و با این انتخاب، براعت استهلالی بکار برده است. اگرچه به نحو اجمال و اختصار بررسی شود معلوم می‌شود که مسائل و مطالب مهم و متعدد علم الهی را در بردارد.

در این رساله، سعی ما بر این است که به حول و قوه الهی موضوع: توحید الوهی یا توحید خالقیت را در کلام امیرالمؤمنین (ع) بررسی نمائیم. البته لازم به ذکر است که چون موضوع ما، یک بحث فلسفی است لذا در ابتدا از دیدگاه فلسفه مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس در کلام امیرالمؤمنین (ع).

نکته دیگر آنست که ما در حد توان و بضاعت علمی خویش، حول این محور بحث می‌نمائیم، چرا که بررسی سخنان علی (ع) وظیفه‌ای است که از عهده بزرگترین اندیشمندان نیز بطور کامل بر نمی‌آید. اما از آنجا که :

آب دریا را اگر نتوان کشید هم بقدر تشنگی باید چشید

لذا ما نیز در همان محدوده بسیار اندک توشه علمی خود به این کار خطیر همت گماردیم.

اللهم سددنا و وفقنا و الهمنا الخیر و العمل به و اهدنا سبیلک الموصلة الیک فانک القائل و

قولک الحق: والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبیلنا.

مشهد مقدس، دیماه ۱۳۷۵

حکیمه وحدانی پور

فصل اوّل
توحيد و اقسام آن

تفاوت اندیشه‌های متفکران دربارهٔ خدانشناسی

در این امر تردیدی نیست که دل‌های خردمندان و روان آنان، همانند معادن گوناگونی می‌باشد که در پرورش کالاهای معدنی تفاوت چشمگیری دارند: الناس معادن کمعادن و الذهب^(۱) و محصول فکری همهٔ آنان در یک حدّ نیست چه بسا از مطالب بلند و افکار سنگینی که تحمل آن نسبت به بعضی آسان و نسبت به برخی توان فرساست. لذا همانطوری که قرآن کریم، مسائل عالم غیب و ماوراء طبیعت را در سطح‌های مختلف بیان می‌کند، ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام، که عدل قرآن مجید هستند، بیانات گوناگونی در اینگونه از امور دارند.

مثلاً مردی از امام (ع) دربارهٔ توحید استعلام می‌نماید، حضرت به او می‌فرماید: توحید همانست که شما برآنید. و دیگری از امام هشتم (ع) می‌پرسد: من می‌گویم آفریدگار جهان دو نفرند، پس دلیل بر آنکه یکتاست چیست؟ حضرت فرمودند: اینکه می‌گوئی دو تاست دلیل بر توحید است زیرا ادعاء مبده دوم بعد از اقرار به مبده واحد است، پس مبده واحد، مورد اتفاق است و زائد بر او مایهٔ اختلاف^(۲).

آنگاه در قبال اینگونه از استدلال‌های متوسط، برهان قاطع و دلیل جازم و خلل‌ناپذیری هم یافت می‌شود. وقتی هشام بن سالم، به حضور امام ششم (ع) شرفیاب شد، حضرت به او فرمود: آیا خدا را توصیف می‌نمائی؟ عرض کرد: آری فرمود: بیاور. عرض کرد: او شنوا و بیناست. حضرت فرمود: این صفتی است که آفریده‌ها نیز در آن شریکند. عرض کرد: پس شما چگونه خداوند را توصیف می‌نمائید؟ فرمود: او نور محض است که هیچ‌گونه تاریکی در او نیست و حیات صرف است که مرگ در او نیست، و علم خالص است که هیچ جهل در او نیست، و حق محض است که هیچ باطل در او راه

ندارد. (همان برهان بسیط الحقیقه و برهان صرف الشیی). آنگاه هشام می‌گوید: از حضور امام (ع) بیرون آمدن در حالی که در خداشناسی و اعتقاد به یکتائی او از همه مردم دانشمندترم. فخرجت من عنده و انا اعلم الناس بالتوحید^(۳). و امتیاز علمی بین این دو گروه از استدلال پوشیده نیست.

لذا وقتی از حضرت سجاد(ع) از توحید سؤال شده است، فرمودند: چون خداوند عزوجل می‌دانست که در پایان روزگار، متفکران ژرف بین می‌آیند، قل هو الله احد، الله الصمد، و آیاتی از سوره حدید تا: هو علیم بذات الصدور، را نازل فرمود، و اگر کسی بیرون از آن را قصد کند هلاک خواهد شد.^(۴)

از این رهگذر، بزرگ حکیم مثاله شیعه، مرحوم صدرالمتالهین (ره) در شرح اصول کافی^(۵) چنین می‌گوید: بهره‌هایی که از آیات سوره مبارکه حدید می‌بردم، بیش از نتایج آیات دیگر بود، لذا در هنگام شروع به نوشتن تفسیر قرآن، اولین بخشی که انتخاب نموده و به تفسیر آن مبادرت کردم همین سوره مبارکه بود، و آنگاه به تفسیر گروه دیگری از آیات و سوره پرداختم، و بعد از پایان آن، در حدود دو سال و یا بیشتر، به این حدیث شریف برخورد نمودم و به نشاطم افزوده شد و به شکرانه این نعمت، خداوند منان را سپاسگزاری کردم ... و درباره جمله آخر حدیث چنین می‌گوید: چون تمام حقیقت‌های لازم را این دو بخش از قرآن کریم، بیان فرمود، بیرون از آن یا تعطیل است و یا تشبیه، و هر دو هلاکت است.

باری - هر دلی را با دل آفرین راهی است و او را در آن راه می‌شناسد: و لكل وجهه هو مولیها، و تمام آن راهها یکسان نخواهد بود، یقینی است که وقتی در فهم کلام الهی و تفسیر آن، تفاوت عمیق بین مفسران بزرگ وجود دارد، پس در شناخت متکلم آن نیز به

همان اندازه و یا بیش از آن اختلاف خواهد بود.

بهر حال باید بیان کرد که هیچ دانشمند متفکر و اهل بحثی که کارش غور و تعمق در مسائل کلی علمی است در این تردید ندارد که مسئله توحید از همه مسائل علمی، دقیق تر، و تصور و درک آن از همه دشوارتر و گره آن از همه پیچیده تر است. چون این مسئله، در افقی قرار دارد که از افق سایر مسائل علمی و نیز از افق افکار نوع مردم بلندتر است، و از سنخ مسائل و قضایای متداوله ای نیست که نفوس بتواند با آن انس گرفته، و دلها به آن راه یابد. و معلوم است که چنین مسئله ای، چه معرکه ای در دلها به پا خواهد کرد، و عقول و افکار برای درک آن سر از چه جاهائی در خواهد آورد، و چه اختلافاتی ایجاد می شود. و این اختلاف درکها و تفکرات در طرز تلقی و تفسیر یکتائی خدا از همه جا، روشن تر دیده می شود. چرا که در آنجاست که اختلاف و نوسان وسیع و عجیبی که افراد بشر، در درک و تعقل و کیفیت تفسیر و بیان مسئله وجود خدای تعالی دارند به خوبی به چشم می خورد، با اینکه همه در اصل وجود خدا متفقند، چرا که دارای فطرت انسانی هستند. با این بیان روشن می شود که حقیقت توحید، برتر از آنست که به عبارت درآید، بلکه می توان گفت: عبارات در طریق معرفت توحید، حجابی هستند، زیرا حقیقت توحید، منزله از این است که عقول و افهام به کنه آن برسند.

تجول عقول الخلق حول حمائها ولم یدرکوا من برقها غیر لمعة.

در کلام امیر مؤمنان (ع) نیز به صعوبت ادراک حقیقت توحید اشاره شده است،

درجایی که می فرماید:

ما وحده من کیفه، ولا حقیقته اصاب من مثله، ولا اياه عنی من شبهه و لا قصده من اشار الیه و

توهمه (۶).